مروری بر شرایط انجام عملیات کربلای یک در تیر ۱۳۶۵ در گفت‌وگوی «جوان» با یک راوی دفاع‌مقدس

فتحی که قلب امام را شاد کرد

صدام پس از اشغال مهران می‌گفت که این شهر مهریه فاواست؛ مهریه‌اش را ندادیم و مهران را آزاد کردیم!

■ علیرضا محمدی

حضرت امام در تاریخ دفاع‌مقدس صرفاً چند بار دستور یا با پیام صریح برای آزادی یا حفظ مناطقی از خاک کشورمان را صادر کرده بودند که آزادی مهران پس از اشغال مجدد آن در اواخر اردیبهشت سال ۶۵ از سوی عراق یکی از همین موارد بود. بعد از پیام امام بود که رزمندگان در تیر ۶۵ طی عملیات کربلای یک مهران را از اشغال دشمن آزاد کردند. شهری که در اوایل دفاع‌مقدس برای بار نخست اشغال شده بود، در اشغال دوم تنها یک و ماه نیم در تصرف دشمن باقی ماند و سپس آزاد شد. کربلای یک توانست استراتژی دفاع متحرک عراق را از بین ببرد و دوباره بعثی‌ها را وادار کند به لاک دفاعی بروند. در گفت‌وگو با محمد محمودی از رزمندگان و راویان دفاع‌مقدس مروری به شرایط آن روزهای جبهه‌ها و کشورمان انداختیم، چراکه پس از اشغال مجدد مهران از سوی عراق، صدام رجزخوانی‌ها بسیاری در خصوص آن کرده بود که باید پاسخ درخوری از سوی رزمندگان دریافت می‌کرد.

دستور امام برای آزادی مهران یکی از معدود پیام‌های صریح ایشان در این خصوص بود. چرا امام چنین پیامی را در آن مقطع صادر کردند؟

ماه‌های اول سال ۶۵ عراق مرتب به مرزهای ما حمله می‌کرد و اگر می‌توانست بخشی را به تصرف خود در می‌آورد. آنها اسم این کار را استراژی دفاع متحرک گذاشته بودند. اوج کارشان هم اشغال مجدد مهران بود که اوایل جنگ هم اشغال شده بود، اما اشغال دوباره مهران آن هم پس از چند سال که ایران حمله‌کننده بود، یک موج روانی و تبلیغاتی را در آن زمان راه انداخت. صدام می‌گفت فاو را رها کنید تا ما مهران را پس بدهیم! فاو زمستان سال ۶۴ از سوی رزمندگان فتح شد و خیلی برای عراق اهمیت داشت. چون دسترسی آنها به خلیج‌فارس از طریق بندر فاو بود. صدام اینطور وانمود می‌کرد که در برابر فتح فاو که یک پیروزی بزرگ برای ایران به شمار می‌رفت، او هم فتح بزرگی انجام داده و مهران را دوباره گرفته است. در صورتی که این دو با هم قابل مقایسه نبودند. منتها آنها جو روانی راه انداخته بودند و به نظر می‌رسید حضرت امام برای شکستن این جو دستور دادند که مهران باید آزاد شود.

جو بین جامعه یا بچه‌های رزمنده در مورد وقایع آن روزها چطور بود؟

من یک نکته‌ای را در اینجا عرض کنم. از اواخر سال ۶۰ که اعزام‌ها سر و سامان گرفت، بچه‌های دهه ۴۰ بیشتر وارد جبهه‌ها شدند. نه اینکه قبلش نباشند بودند، ولی از آن به بعد این نسل بیشتر به جبهه آمد و تقریباً شخصیت‌شان در زمانی شکل گرفت که ایران دست برتر را داشت، مرتب به عراق حمله می‌کرد و اینجا و آنجا مناطقی را از دشمن می‌گرفت. دهه چهلی‌ها که جمعیت قابل‌توجهی در جبهه‌ها بودند، شخصیت رزمی‌شان در نوار پیروزی‌های ایران شکل گرفته بود. من خودم هم یکی از همین‌ها بودم. برای ما که مرتب شاهد حملات جبهه خودی به دشمن بودیم، خیلی گران می‌آمد که چطور عراق توانسته از لاک دفاعی خارج شود و حمله کند. جو جامعه هم همین‌طور بود. همه دوست داشتند هرچه زودتر به حملات عراق که در قالب استراتژی دفاع متحرک بود، خاتمه داده شود.

همانطور که اشاره کردید، مهران اوایل جنگ هم به اشغال دشمن درآمده بود، این شهر چه وقایعی در طول جنگ پشت‌سر گذاشته است؟

مهران در زمان جنگ سه الی چهار بار دست به دست شده است. بار اول همان اوایل شروع جنگ تحمیلی عراق مهران را گرفت. بعد از حدود سه سال این شهر در عملیات والفجر ۳ آزاد شد. البته این را هم عرض کنم که اشغال مهران در اوایل جنگ به این صورت بود که عراق در بلندی‌های مشرف به شهر مستقر شده و آنجا را تحت تسلط داشت، اما در والفجر ۳ دشمن از این بلندی‌ها عقب رانده شد. بار دوم هم که مهران در اواخر اردیبهشت سال ۶۵ اشغال شد. این بار بعثی‌ها اعلام کردند که آن را به تلافی فاو گرفته‌اند. عراق خیلی روی این موضوع مانور داد. در سؤال قبلی پرسیدید که جو جامعه در آن روزها چطور بود؟ باید بگویم که این تبلیغات دشمن و هیاهویی که برای تصرف مهران به راه انداخته بودند به لحاظ روانی روی جامعه و خصوصاً رزمنده‌ها سنگینی می‌کرد. حتی صدام گفته بود که مهران مهریه فاو است و تا زمانی که ایران در فاو است، آنها هم در فاو می‌مانند! بعد هم ایران در کربلای یک مهران را پس گرفت. مجدد در سال آخر جنگ هم باز مهران از سوی منافقین اشغال و سپس دوباره آزاد شد.

> از نظر بچه‌های رزمنده عملیات کربلای یک خاص بود. هم دستور امام بود و هم اینکه بعثی‌ها باید ادب می‌شدند. آنها با چند عملیات محدود از ابتدای سال ۶۵ ایران را در چند نقطه از مرزها مشغول کرده و نهایتاً مهران را گرفته بودند، اما طوری رفتار می‌کردند که انگار خود تهران را گرفته‌اند!

با این توصیفاتی که شما گفتید و با دستوری که امام داده بود، کربلای یک عملیات خاصی بود؟

بله. از نظر ما بچه‌های رزمنده خاص بود. هم دستور امام بود و هم اینکه بعثی‌ها باید ادب می‌شدند. آنها با چند عملیات محدود از ابتدای سال ۶۵ ایران را در چند نقطه از مرزها مشغول کرده و نهایتاً مهران را گرفته بودند، اما طوری رفتار می‌کردند که انگار خود تهران را گرفته‌اند! اواخر جنگ هم منافقین بعد از اینکه مهران را موقتاً گرفتند و خیلی سریع هم عقب رفتند، شعار می‌دادند «امروز مهران فردا تهران» انگار چه بعثی‌ها چه منافقین، با اشغال مهران دچار توهم می‌شدند! بنابراین وقتی که قرار بود بچه‌های رزمنده وارد عملیات کربلای یک شوند، یک ذوق و شوقی داشتند. ضمناً یک نکته را هم عرض کنم که تیر سال ۶۱ ایران عملیات رمضان را انجام داد. آن عملیات بسیار سخت بود و نهایتاً با عدم‌الفتح مواجه شد. گرمای هوا یکی از دلایل عدم‌الفتح در رمضان بود. حالا بعد از چند سال ما دوباره قرار بود در گرمای تیرماه وارد عملیات دیگری شویم. این‌بار قرار بود مهران را از عراق بگیریم و هیچ کسی دوست نداشت وقایع عملیات رمضان تکرار شود که خدا را شکر کربلای یک کاملاً موفقیت‌آمیز بود.

کدام یگان‌ها نقش اصلی را در آزادی مهران داشتند؟

خب کربلای یک گسترده بود و چندین یگان در آن شرکت داشتند، ولی لشکر ۲۷ گردان‌های بیشتری را به آن وارد کرده بود. بچه‌های سپاه تهران با هفت گردان پیاده، یک گردان زرهی و یک گردان ادوات قدم به میدان کربلای یک گذاشتند. لشکرهای علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ثارالله(ع)، ۱۰ سیدالشهدا(ع)، تیپ ۲۱ رمضان، تیپ ۱۵ امام حسن(ع) هم بودند؛ منتها لشکر ۲۷ بیشترین گردان را به این عملیات اعزام کردند.

> صدام می‌گفت فاو را رها کنید تا ما مهران را پس بدهیم! فاو زمستان سال ۶۴ از سوی رزمندگان فتح شد و خیلی برای عراق اهمیت داشت. چون دسترسی آنها به خلیج‌فارس از طریق بندر فاو بود. صدام اینطور وانمود می‌کرد که در برابر فتح فاو که یک پیروزی بزرگ برای ایران به شمار می‌رفت، او هم مهران را گرفته است

روند عملیات چطور بود و نهایتاً منجر به چه نتیجه‌ای شد؟

این عملیات از شب ۹ تیرماه شروع شد و تقریباً ۱۰ روز هم ادامه یافت. هدف عملیات آزادسازی مهران بود که علاوه بر آزادی آن، چندین روستا و مناطق اطراف هم آزاد شدند. عملیات کربلای یک محور فرعی هم داشت. معمولاً در عملیات مختلف ایران یک محور اصلی داشت و یک محور فرعی که به آن محور فریب یا ایذایی هم گفته می‌شد. در محور فریب تیپ ۴ از لشکر ۲۱ حمزه و تیپ ۱۱ امیرالمؤمنین(ع) وانمود کردند که می‌خواهند در آنجا عملیاتی انجام بدهند. در واقع می‌خواستند حواس دشمن را متوجه خودشان بکنند تا در محور اصلی، فشار کمتری روی نیروهای رزمنده باشد. نهایتاً عملیات کربلای یک در محور اصلی موفقیت‌آمیز بود و بعثی‌ها در این عملیات حدود ۲ هزار و ۲۰۰ کشته و ۹ هزار نفر مجروح و هزار و ۲۰۰ نفر هم اسیر دادند. در این طرف هم ۷۰۰ نفر از نیروهای خودی به شهادت رسیدند، ولی دشمن را به عقب راندند و مهران را آزاد کردند.

یک‌سری تصاویر از دیوار نوشته‌هایی وجود دارد به این مضمون که «مهران آزاد شد قلب امام شاد شد» ماجرای این دیوار نوشته‌ها چه بود؟

بعد از آزادی مهران بچه‌های رزمنده که از اجرای دستور امام خوشحال بودند، این جمله را زیاد روی تابلوها یا دیوارهای برجای مانده از شهر می‌نوشتند. خب مهران آن موقع خالی از سکنه بود. جای سالمی هم در شهر نمانده بود. لذا دیوارهای برجای مانده بهترین فضا را در اختیار بچه‌های واحد تبلیغات می‌گذاشت تا شعارها را روی آنها بنویسند. شاه‌بیت این شعارها هم اشاره به فرمان امام مبنی بر آزادسازی مهران بود و بچه‌ها روی این نکته تأکید خاصی داشتند. از آن طرف صدام هم که ادعا می‌کرد تا ما فاو را پس ندهیم، او هم مهران را پس نمی‌دهد با این شکست ضربه شست عجیبی خورد. روحیه مردم و رزمنده‌ها تقویت شد و چند ماه بعد هم که ایران عملیات کربلای ۴ و سپس کربلای ۵ را انجام داد و تا نزدیکی بصره پیش رفت. به این ترتیب استراتژی دفاع متحرک به کلی شکست خورد. این مقطع از جنگ با پیروزی جبهه اسلام به اتمام رسید.

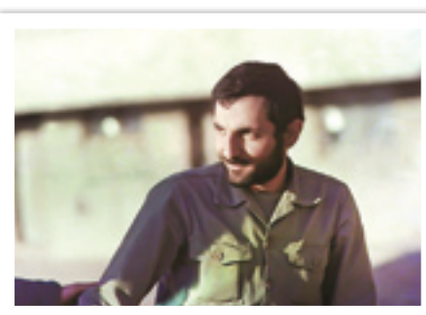

برگی از کتاب «قرارگاه شمالی» وقایع شمالغرب کشور در دفاع مقدس

مهدی باکری استعفا داد!

کتاب «قرارگاه شمالی» روایتی از نبرد رزمندگان در تأمین امنیت ارومیه است که به همت آیت معروفی آماده انتشار است. اتفاقات رخ داده در مناطق جنگی شمالغرب کشور پر از افت و خیزها و خاطراتی شنیدنی است که گوشه‌ای از این خاطرات را برگرفته از کتاب قرارگاه شمالی می‌خوانیم.

■ **یک هفته قبل از جنگ**

۲۳ شهریور ۱۳۵۹ خمپاره‌های ۶۰، ۸۱ و ۱۲۰ میلیمتری مستقر شدند و طبق نقشه مقرهای ضدانقلاب را یکی‌یکی می‌زدیم. رادیو مهاباد به عنوان بی‌سیم مرکزی برای حزب عمل می‌کرد و به آمبولانس‌های هلال‌احمر پیام می‌داد که به فلان جا مراجعه و مجروحان را به بیمارستان منتقل کنید. چند روزی این شرایط ادامه داشت تا اینکه از معتمدان محل به سپاه مراجعه و تعهد دادند اگر خمپاره‌باران قطع شود ما خودمان حزب را از شهر بیرون می‌کنیم و تقریباً این توافق عملی شد.

غلامرضا ابراهیمی از نیروهای سپاه ارومیه: «بعد از یکی دو روز استراحت حرکت کردیم. فرمانده عملیات شمس بود. همیشه صورتش را می‌بست. با این چفیه قرمزها که بارزانی‌ها می‌بندند. وقتی آژیر می‌زدند، همه بچه‌ها مسلح می‌شدند و می‌آمدند در سالنی که صندلی چیده بودند. بعد هم راه می‌افتادیم ۱۰۰ نفری بودیم. هر روز یکی از ساختمان‌ها را می‌گرفتیم فقط روزها می‌رفتیم برای پاکسازی. از ۹،۱۰ حرکت می‌کردیم. از دو طرف خیابان این‌طرف آن‌طرف را می‌زدیم. وارد خیابان که می‌شدیم از بعضی پنجره‌ها سمت‌مان شلیک می‌کردند. همه خانه‌ها را سوراخ کرده بودند و به همدیگر راه داشتند. مردم در خانه‌های‌شان بودند، ولی بیرون نمی‌آمدند مگر اینکه زخمی داشتند. ۱۰۰ متر پایین‌تر از کاخ اداره غله بود. اول آنجا را گرفتیم و مستقر شدیم. دو سه روز بعد با منگوری‌ها رفتیم شیر و خورشید را گرفتیم. بعد بانک سپه را که بزرگ‌ترین ساختمان مقابل فرمانداری بود. رسیدیم به وسط مهاباد. تقریباً ۱۵،۲۰ روز آنجا ماندیم. بعد سیلو را گرفتیم. آخر هم ساختمان صداوسیما که از مدتی قبل نیروها آنجا در محاصره بودند. صدا و سیما را که گرفتیم، چهار طرف شهر آزاد شد. مابقی دیگر با منگورها بود. هر روز می‌رفتند یکی از کوچه‌ها را پاکسازی می‌کردند. ضدانقلاب از اینها خیلی می‌ترسیدند. انصافاً اگر منگورها نبودند ما نمی‌توانستیم در شهر کاری بکنیم. بعد از آن اولین ستون ارتش وارد شهر شد.»

گروه‌های شورشی در حالی ناحیه کردنشین مهاباد را ناامن و نیروهای ارتش، سپاه و ژاندارمری را در این مناطق درگیر کرده بودند که ارتش بعث عراق آماده می‌شد حمله سراسری‌اش به مرزهای ایران را آغاز کند. ۳۱ شهریور که ارتش عراق به فرودگاه‌های ایران حمله کرد به ارومیه هم حمله کرد. جواد حاج خداکرم: «ما در ارومیه با ضد انقلاب روبه‌رو بودیم که عراقی‌ها با هواپیما می‌کوبیدند و می‌رفتند.»

■ **شهردار باکری**

مهدی باکری از شهرداری استعفا داد و مسئول جهاد شد. وقتی ارتش عراق حمله زمینی‌اش را آغاز کرد، شهرهای آذربایجان غربی را هم بمباران کرد. بمباران شهر را شلوغ کرد. مردم می‌ترسیدند در این شلوغی دوباره ضدانقلاب نیرو بگیرد، کسی را ترور کند یا گروگان بگیرد. مسئولان می‌دانستند ضدانقلاب می‌تواند برای عراق جاسوسی کند یا با پشتیبانی عراق به برخی مناطق حمله کند، اما مرزها در خطر بودند و ارتش باید نیروهایش را به سوی مرز می‌فرستاد. همان روز ۳۰۰ نفر از نیروهای حزب که بیشتر از منطقه زیوه بودند تیم‌های چهار پنج نفری و مسلح را در خانه‌های نزدیک پادگان مستقر کردند تا فردا در چند گروه به پایگاه سپاه، پادگان لشکر ۶۴ ساختمان شهربانی و مقر کمیته انقلاب اسلامی حمله کنند و این مراکز را بگیرند و سلاح و مهماتش را ببرند. حسن کرمی: «دموکرات‌ها در خیابان دانشکده که خیابانی مرفه‌نشین بود و برخی از بومی‌های منطقه کردنشین هم آنجا خانه داشتند، سنگر گرفته بودند.»

گروهی را به فرماندهی ستوان قاسمیان با لباس مبدل به محله‌هایی که از قبل مشخص کرده بودند، فرستادند تا اطلاعات دقیق کسب کنند. آنها اطلاعات‌شان را فرستادند و خودشان در روستای ترزیلو، روستایی نزدیک شهر مستقر شدند. ستوان یکم باقر شهیادی از نیروهای لشکر ۶۴ ارومیه اولین اقدامی که در زمینه افراد نفوذی صورت گرفت، اطلاع دادن خبر به مسئولان شهری از جمله آقای ملاحسنی بود. گویا ایشان غافلگیر شدند، اما به سرعت آمادگی پیدا کردند و به کمک یگان‌های لشکر آمدند.

فاسونیه‌چی: «خبر زمانی به ما و آقای حسنی رسید که نیروی مسلح حزب به ارومیه و اطراف خیابان بهداری و پشت لشکر ۶۴ رسیده بودند. حاج آقای حسنی به محض شنیدن خبر، تفنگ به دست سوار تانکی شد و به طرف خیابان بهداری که عوامل حزب آنجا سنگر گرفته بودند، حرکت کرد. ما که ۸۰ نفر مسلح بودیم دنبالش راه افتادیم.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۰۶۰

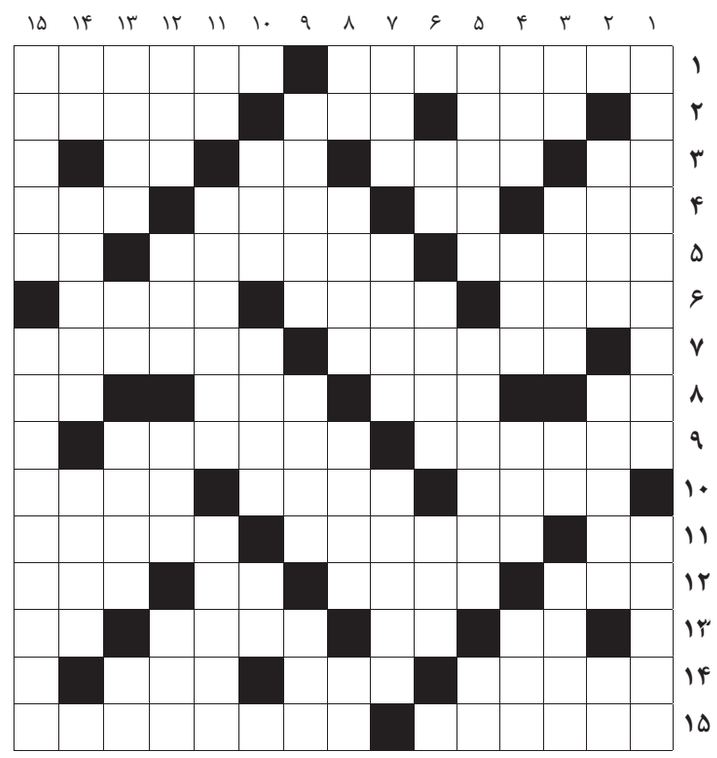

از راست به چپ

■ ۱- موشک بالستیک ضد کشتی کشورمان -از جان گذشته ■ ۲- پایتخت سوئیس- روش علمی -لعنت ■ ۳- تاقچه بالا- مهلت و امان- رفوزه- علامت جمع ■ ۴- نوعی رواندار- خاندان- دیوار قلعه- رشد ■ ۵- خاستگاه کرونا و شهری در چین- خطی که زاویه را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند- شامل همه ■ ۶- شهر تشنه‌فریب- خراب شده- کمیابی ■ ۷- جمع آوری محصول- مدارا کردن با کسی ■ ۸- مایه حیات- از گویش‌های غرب کشور- براده زر- شهر زلزله زده کرمان ■ ۹- نوعی چین‌خوردگی زمین- کارآزموده ■ ۱۰- فروش محصولات زیرقیمت- قسمت برآمده استخوان پا- موسیقی نظامی ■ ۱۱- آش- عضله- بدقول و عهدشکن ■ ۱۲- فرزند- عدد دانش آموزی- شکوه- منزل شاهان ■ ۱۳- فرمانده سپاه قدیم- حرف فاصله- روزه داشتن- نشان جمع ■ ۱۴- نوعی قطع کتاب- خواستن- همراه کلنگ ■ ۱۵- جنگ بین امام علی(ع) و خوارج- محلی برای نگهداری کودکان بی سرپرست

از بالا به پایین

■ ۱- شاخه‌ای از جانوران دریایی- دروازه بان افسانه‌ای تیم ملی ایتالیا ■ ۲- سستی- شوخ و سرزنده- چله کمان ■ ۳- تیر پیکاندار- بخشنده- پرحرفی- منشی و نویسنده ■ ۴- گناه- مادر باران- حیوان اهلی- رهن ■ ۵- ظرف چایخوری- کالسکه بزرگ- حرف انتخاب ■ ۶- سرخ کمرنگ- نمابر- سعی و کوشش ■ ۷- از وسایل رمالی- چنین دزدی به کاهدان می‌زند- واحد وزن الماس ■ ۸- واحد بازی تنیس- نمره محبوب- یار خیابان- گونه ■ ۹- سود و فایده- ساختار، ساختمان- بردباری ■ ۱۰- عبرت- نماد لباس- قیمت ■ ۱۱- تاکسی پرظرفیت- ظاهرسازی- مساوی ■ ۱۲- خبرگزاری اسپانیایی- برطرف کننده- بیسواد- گوسفند ماده ■ ۱۳- حاشیه و کنار- باران اندک- تغار چوبی- رنج و محنت ■ ۱۴- حرف خطاب- تابش نور ماه- آسایش ■ ۱۵- دردمند و بیمار- تئاتر

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۶	۷				۴			
۸	۵				۶		۲	
						۷	۵	
۴	۶							
	۹				۱			
						۵	۸	۳
						۱	۷	
		۹	۷	۱				
		۳						

جدول کلمات متقاطع
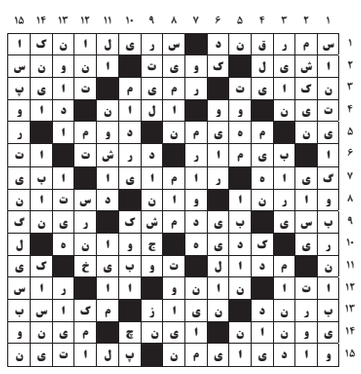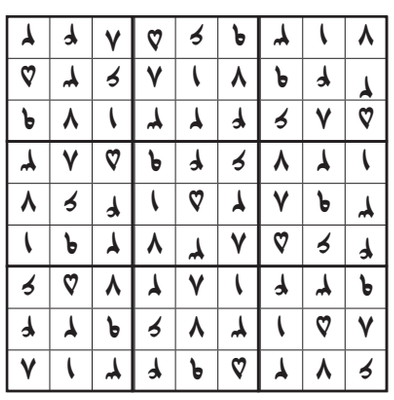
پاسخ جدول شماره ۷۰۵۹